

بسم الله الرحمن الرحيم

خلافت؛ نظامی که قلب‌ها برای بازگشت آن می‌تپند  
پس ای مسلمانان؛ برای بازگشت آن دست به کار شوید!

(ترجمه)

به تاریخ 28 رجب سال 1342 هـ. ق انگلیس-رأس الکفر وقت- به همکاری یک عده از خائنین عرب و ترک باعث انهدام خلافت اسلامی گردید. دقیقاً 98 سال قبل از امروز، خلافت اسلامی تو سطر مصطفی کمال خائن و جنایت‌کار ملغی اعلان شد. پس از سقوط خلافت، امت مسلمة تا امروز هم چو یتیمی سپری ندارد که بر اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله ﷺ حکم کند؛ بلکه در عوض، کفار استعمارگر بالای امت محمد ﷺ یک عده از حاکمان دست‌نشانده و مزدور را حاکم تعیین نمودند که هرگز از اطاعت آن‌ها دست‌بردار نیستند و پیوسته در اطاعت و غلامی به کفار از هم پیشی می‌گیرند و فقط چیزی را انجام می‌دهند که از سوی کفار به آن‌ها دستور داده می‌شود. آن‌ها چنان در بردگی به سر می‌برند که کفار هم چو دانه‌های شطرنج این طرف و آن طرف انتقال می‌دهند... 98 سال است که امت اسلامی هم چو خس و خاشاک روی آب، بی‌وزن و بی‌ارزش شده است؛ آن‌هم پس از آن‌که کفار راز قوت آن‌ها و اصل و منشأ عزت‌شان را، که همانا خلافت اسلامی بود، از میان برداشت.

دشمنان اسلام قبل از ائتلاف‌شان شاهد بودند که دولت خلافت سیزده قرن متمادی در جهان حاکمیت نمود و همواره خیر و عدالت را بر اطراف و اکناف زمین گسترش می‌داد. خلافت یک دولت مستبد نبود و دولتی نبود که بر پول و ثروت دولت‌های دیگر چشم دوخته باشد؛ بل دولتی بود که جز عدالت و خوبی در دایره اطاعت از الله و رسولش به چیزی دیگری متمسک نمی‌گردید. از همین رو، خیر و عدالت تنها چیزی بود که با پخش و نشر اسلام در جهان از طریق این دولت (خلافت) ترویج می‌یافت. دولت امت اسلامی سیزده قرن متمادی در عزت و قدرت باقی ماند و همواره تکلیف‌اش را بر مبنای اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی اداء می‌کرد که همانا پخش و نشر اسلام و عدالت چیز دیگر نبود و در حقیقت رحمت و مشعلی برای جهانیان بود. اما کفار و دست‌اندرکاران خائن آن‌ها به توطئه‌چینی علیه آن اقدام نمودند و به حملات شبانه‌روزی شان ادامه دادند تا به حاکمیت آن خاتمه دهند. هنگامی که آن‌ها به این هدف خبیث‌شان دست یازیدند، سرزمین‌های اسلامی همه و همه با حرص طمع گرگ‌گونه کفار چور و چپاول شدند. این بود که شکل و ساختار آن کاملاً تکه و پارچه شد، فلسطین از دست رفت و مسجدالاقصی توسط اندک‌ترین؛ اما بدترین مردم مورد اهانت قرار گرفت. پس از سقوط خلافت، امت اسلامی که در رفاه و آسایش بر مبنای اسلام در زیر یک پرچم تحت قیادت یک خلیفه به سر می‌بردند، سرزمین‌واحدشان به چندین سرزمین کوچک تقسیم گردید. اینک مسلمانان در تحت دولت‌های جداگانه با پرچم‌های چند رنگی و با قانون اساسی دست‌ساخته کفار استعمارگر به سر می‌برند که توسط حاکمان مزدور و دست‌نشانده به منظور تأمین منافع استعمار، جنگ علیه اسلام و قادر ساختن استعمارگران توسط سرمایه و ظرفیت‌های امت اسلامی تطبیق می‌گردد.

ای مسلمانان! بدانید که کفار و مفکوره‌های آنان و مزدوران‌شان با شما به خاطر نماز، روزه و حج نمی‌جنگند؛ بلکه آن‌ها علیه نظام حکومت‌داری (علیه خلافت بر منهج نبوت) که الله سبحانه و تعالی برای شما انتخاب کرده است، می‌جنگند؛ چون آن‌ها خوب می‌دانند که امت اسلامی بدون خلافت هیچ ارزشی ندارد. پس بدانید که خلافت یگانه نظامی است که از عزت و شرافت شما و از دین شما حفاظت می‌کند. خلافت تنها نظامی است که هرگونه بی‌عدالتی و استبداد را در زمین محو می‌کند. نبود خلافت از صحنه زندگی باعث گردیده است تا ما امروز در ذلت، خواری و بحران به سر ببریم. بدانید که تنها نگرانی کفار این است که چگونه بتوانند علیه اسلام سیاسی مبارزه کنند تا آن را نیست و نابود کنند. این نظام سیاسی یگانه نظامی است که اسلام را قانون اساسی مردم قرار داده و بالای مردم تطبیق می‌کند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَالَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

[نساء: ۶۵]

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود؛ مگر این‌که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

بناءً آن‌ها جنگ را علیه اسلام به راه انداخته اند. این جنگ، در واقع جنگی است علیه نظام سیاسی و علیه اسلام به عنوان یک نظام سیاسی، که باید در همه امور زندگی تطبیق گردد، به پیش برده می‌شود.

ای اهل اردن! ذلت و تحقیر، بردگی و غارت ثروت و منابع شما توسط کفار غربی واقعیتی است که در آن به سر می‌برید و آن را تجربه کرده‌اید و به چشم سر مشاهده می‌کنید. مسئله شما مسئله یک قرص نان و یاهم بهبود شرایط زندگی نیست؛ بلکه مسئله از میان برداشتن و ریشه‌کن کردن علت بیماری است که باعث ذلت و رنجش شما گردیده و هر نوع تلاش دیگری که برای جدا کردن و بیگانه کردن امت نسبت به قضیه حیاتی و سرنوشت‌سازشان (خلافت بر منهج نبوت) به پیش برده می‌شود، می‌باشد. از این رو، تغییر بنیادی مبنی بر این واقعیت همانا از سرگیری زندگی اسلامی از طریق تأسیس دوباره خلافت بر منهج نبوت می‌باشد و بس. این جاست که در تحت قیادت خلیفه‌ای قرار می‌گیریم که توسط امت انتخاب شده و جز بر مبنای شریعت به چیزی دیگری بالای ما حکم نمی‌کند. بی‌گمان ارتش‌ها و نیروهای مسلمان توانائی از بین بردن این رژیم‌های مستبد و ظالم را دارند؛ مشروط بر این‌که عزم و اراده این کار در میان‌شان ایجاد شود. بهترین مثال در این زمینه، به جاده ریختن میلیون‌ها مسلمان در تونس، الجزایر، مصر، شام، یمن و سایر سرزمین‌های اسلامی است که خواهان سقوط و نابودی نظام‌های موجوده بوده و فریاد می‌زنند که این نظام‌ها با عقیده اسلامی ما در تناقض قرار داشته و باید از میان ما دور شوند. مسلمانان در سرزمین‌های مذکور علی‌الرغم این‌که از رویکرد حکام ظالم و دست‌نشانده علیه خود غافل نیستند و می‌دانند که از سوی آن‌ها مورد ظلم و شکنجه قرار می‌گیرند، آماده هرگونه قربانی برای اسلام اند. از این رو، این همه روی کردها و ظلم و ستم‌ها از سوی حکام، مانع به جاده ریختن آن‌ها نگردید، هم‌چنان نتوانست که از صدای آن‌ها در مساجد، که برای برانداختن این رژیم‌های مزدور بلند می‌شد، جلوگیری کند.

ای مردم! حزب‌التحریر، که شما آن را دهه‌هاست می‌شناسید، رهبری‌ست که هرگز به شما دروغ نگفته و هرگز از مسیر هدف‌مندش کنار نرفته است؛ بلکه در عوض، هم‌چو کوهی استوار و پابرجا مانده است و پیوسته تلاش می‌کند تا تکلیف شرعی (فرض فراموش شده امت، تاج الفروض، خلافت) را به امت یادآوری کند؛ زیرا این یگانه فرضی‌ست که سایر فرایض در تحت آن اجراء می‌گردد. پس چپ کسی به جز خلیفه ارتش‌ها را برای آزادسازی الاقصی منسجم نموده و رهبری خواهد کرد؟ چپ کسی به جز خلیفه به این بارانی از بی‌عدالتی‌ها و قتل‌هایی که بر سر مسلمانان در سراسر جهان فرو می‌ریزد، پایان می‌دهد؟ چپ کسی به جز خلیفه کتاب‌الله سبحانه‌وتعالی را تطبیق می‌نماید که صدها سال از نزول آن سپری شده است، اصول و قوانین آن را احیاء و قانون اساسی و نظام آن را تطبیق می‌کند؟ چپ کسی... چپ کسی... چپ کسی به جز خلیفه و دولت خلافت؟! فلهدا جای تعجب نیست که حزب‌التحریر که مسئولیت پیش‌برد دعوت به سوی خلافت بر منہج نبوت را دارد، برای بازگشت خلافت، تولید و محصولات آن پیوسته تلاش می‌کند و تا زمانی به کارش توقف نمی‌دهد که به بشارت رسول‌الله ﷺ که می‌فرماید:

«ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَىٰ مَنَهِجِ النَّبِوَةِ»

ترجمه: سپس خلافت بر منہج نبوت قائم خواهد شد.

نایل آید و پیوسته به این کار خود از امت اسلامی و ارتش‌های اسلامی می‌خواهد که برای تأسیس دین‌الله سبحانه‌وتعالی بر منہج نبوت کار و فعالیت نمایند، ادامه خواهد داد.

مسئله خلیفه مسئله‌ای‌ست که از اهمیت والای برخوردار است؛ چون ترک کردن آن و ترک کردن کار برای بازگشت آن گناه بزرگی‌ست که رسول‌الله ﷺ در مورد آن می‌فرماید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

(رواه مسلم)

ترجمه: کسی در حالی بمیرد که بیعتی در گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

از این‌رو، موجودیت دولت اسلامی (خلافت) امر لازمی‌ست که برگردن همه امت بوده و بیعت وفاداری تنها و تنها برای خلیفه ممکن است. اینست که حزب‌التحریر پیوسته برای بازگشت آن تلاش می‌کند و تا زمانی که خلافت بر منہج نبوت را قضیه سرنوشت‌ساز مسلمانان قرار ندهد، به کار و فعالیت‌اش ادامه خواهد داد و قطعاً کوتاه نخواهد آمد. پس آیا بر مسلمانان واجب نیست که برای حاکمیت دین‌الله سبحانه‌وتعالی برخاسته و تلاش نمایند؟ بنابر این، بر ارتش‌های اسلامی لازم است تا دستان‌شان را به دستان ما گذاشته و برای تأسیس این فریضة الهی دست به کار شوند و بر‌الله قادر و توانا اعتماد نمایند و بدانند که پیروزی دین‌الله سبحانه‌وتعالی برای مسلمانان بسیار نزدیک است.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴾

[انفال: 24]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت الله و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید الله میان انسان و قلب او حایل می شود و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید!

حزب التحریر-ولایه اردن

26 رجب 1440 هـ.ق

02 اپریل 2019 م